



واکاوای نحوه کشف و تعقیب جرایم مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی در حقوق ایران

هادی احمدپور

دانشجوی کارشناسی، رشته حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز بناب، ایران (نویسنده مسئول)

hadiahmadpour@gmail.com

یاسر عبیدی

دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

yaserabidi78@gmail.com

حجت ملازاده ناظم

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

hojjatm839@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: کشف جرایم و تخلفات، یکی از مهمترین اقدامات در زمینه مبارزه با مرتکبین محسوب می شود. اگر مراجع تعقیب و تحقیق از میان شیوه های متعارف و فنی برای کشف و تعقیب جرایم استفاده نمایند، بدیهی است مرتکبین موقعیت بسیار ناچیزی کسب می کنند و یا حتی بعضاً در ارتکاب جرایم و تخلفات قلمرو موضوع پژوهش ناموفق خواهند بود. بنابراین، پیش بینی روشهای جدیدتر و اتخاذ رویکردی حکیمانه در برابر این دسته از جرایم و تخلفات، مستلزم نامحسوس بودن تحقیقات و فرآیند پی جویی آن، ضرب العجل بودن به موقع بودن اقدامات علاوه بر جمع آوری اخبار و اطلاعات پیرامون آن می باشد.

روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

یافته ها و نتیجه: با شگردهای تحقیقاتی ویژه یعنی؛ روشها و فنونی برای کشف، تحقیق، تعقیب و جمع آوری اطلاعات به گونه ای که در کوتاه ترین زمان ممکن مرتکبین شناسایی، دستگیر و از تهیه، تولید و عرضه مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مورد نظر به دست مصرف کننده جلوگیری نموده که در قالب کشف و تعقیب جرایم مورد بررسی قرار می گیرد. بدین جهت در این مجموعه؛ در مبحث اول؛ به مباحث مربوط به کشف از طریق بازرسی دوره ای و سرزده و در مبحث دوم؛ به کشف جرم از طریق شکایات و در مبحث سوم؛ نقش سازمانهای مردم نهاد و سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: مسؤولیت کیفری، جنایت عمدی، جنایت شبه عمدی، ویروس کرونا



مقدمه

جرایم و تخلفات در قلمرو مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی از جمله جرایم عمومی می باشد که یک تهدید بسیار جدی برای سلامت جامعه به شمار می رود. از دیرباز تولید و عرضه این مواد در کارخانه و کارگاههای های تولید کننده با اخذ مجوزهای قانونی صورت می پذیرفت؛ همچنین دستورالعمل ها و قوانین گوناگونی در رابطه با رعایت موارد ضروری در تولید و عرضه و مهم تر از آن طی مراحل قانونی عرضه به بازار وضع شده است. در این میان ممکن است جرایم و تخلفات گوناگونی در مراحل تولید و عرضه اتفاق افتاده و به لحاظ مالی و جانی ایمنی و سلامت انسان ها را به خطر بیندازد. این گونه اعمال مجرمانه دارای آثار منفی بر جامعه نیز هستند؛ جبران خسارت های مادی و غیرمادی ناشی از ارتکاب این جرایم تنها از طریق وضع قوانین کیفری انجام می شود و تدابیر خاصی نیز جهت پیشگیری از ارتکاب به این قبیل جرایم وضع شده است و قوانین کیفری نقش بسزایی در کشف و تعقیب جرایم مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی دارند، لذا، در این نوشتار تلاش شده است ضمن شناخت مفهوم سیاست کیفری و مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، شیوه های کشف جرم و تعقیب مجرمان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- روش تحقیق

با عنایت به کتب و مقالات مذکور در بخش منابع به واکاوی نحوه کشف و تعقیب جرایم مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی در حقوق ایران پرداخته ایم.

۲- یافته ها

۱-۲. سیاست کیفری

واکنش عملی در قبال فعل یا ترک فعلی که بیانگر ضدیت علیه ارزشهای اساسی متبلور در نظم عمومی است، با این وصف؛ مهار پدیده های بزهکاری و مبارزه علیه مباشران آنکه حیات و نظم جامعه را به خطر می اندازند، سابقه ای به قدمت جوامع بشری دارد. پدیده مجرمانه، همواره در نظم عمومی جوامع بشری ایجاد اختلال نموده است و امنیت جانی، مالی و سیاسی انسانها و دولت ها را در معرض خطر قرار داده است. اعمال مجرمانه به عنوان پدیده های ضداجتماعی، دارای آثار منفی بر جامعه اند و کلیه جرایم از این اصل کلی مستثنی نیستند. این آثار منفی، قلمرو وسیعی از خسارتها را دربر می گیرد. خسارت مادی ناشی از جرم به صورت مستقیم مانند: سوء استفاده از اموال دیگری یا به صورت غیرمستقیم، نظیر پرداخت مالیات به منظور استخدام پلیس و قاضی برای مقابله با بزهکاری و خسارتهای غیرمادی ناشی از جو ناامنی و وحشت ایجاد شده از جرایم را پوشش می دهد. جوامع بشری، برای احتراز از عواقب ناشی از جرایم، سیاست و برنامه ای در جهت کنترل بزهکاران پی ریزی می کنند. این برنامه ها که از طریق سرکوبی محض یا همراه با اقدامها و تدابیر خاص پیشگیری از بزهکاری می باشد، در قوانین کیفری متبلور می شود. مهم ترین مرحله از سیکل کیفری، مرحله ارزشگذاری یا تنظیم سیاست کیفری در قبال جرایم می باشد. این مرحله مشتمل بر وضع قوانین در خصوص تعیین جرایم و نوع پاسخهای موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. از این منظر، سیاست کیفری، بیانگر دیدگاهها و روشهای اتخاذی از سوی مقنن به منظور کنترل جرم، حفظ نظم جامعه و حقوق افراد و دولت است. (صالحی، ۱۳۸۷: ۳۶).

کارکرد قوانین کیفری، به دو شکل پیشگیری خاص و پیشگیری عام جلوه می نماید. با وضع و اجرای قوانین، علاوه بر این که ناقضین حقوق تحت تعقیب و مجازات قرار می گیرند، دیگر افراد جامعه متوجه می شوند که نقض حقوق دیگران جرم و قابل مجازات می باشد. لذا؛ افراد در مقام ارتکاب جرم بر نمی آیند. اهداف وضع کیفر قبل از مجازات، با نقشی مرعوبکننده، وسیله ای



برای جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق دیگران می‌باشد و رسالت‌های ((عبرت‌انگیزی)) و ((ارباب‌انگیزی)) را دنبال می‌کند. نقش فایده‌مندی کیفر به‌عنوان یک ابزار پیشگیری از جرم، به لحاظ جنبه ارعایی آن در سیاست کیفری غیرقابل انکار است. لذا؛ درج ضمانت اجراهای کیفری در متن قانون، به‌عنوان سلاحی بازدارنده در دست قوای عمومی به منظور جلوگیری از نقض مقررات وضع شده، قرار می‌گیرد. مجازات به‌واسطه این‌که متعاقب ارتکاب جرم بر مجرم تحمیل می‌گردد و مجرم بالقوقه مایل بر قبول ریسک آن نیستند، از وقوع جرم پیشگیری و بازدارندگی عمومی را محقق می‌سازد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۲۹۱).

با توجه به این استراتژی، مقنن به تعریف و توصیف فعل یا ترک فعل نقض کننده حقوق اشخاص و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری در قوانین کیفری نموده است. با این وجود؛ اشخاص سودجو، در مقام تجاوز به حقوق دیگران برآمده و آن را مورد تهدید قرار می‌دهند. از این‌رو قانونگذار با وضع قوانین کیفری، مسائل جبران خسارات را در پرتو جرمانگاری^۳ اعمال مجرمانه مورد نظر قرار داده است. (صالحی، همان).

۲-۲. مواد خوردنی

غذا - ع. (به کسر غین) شامل: خوراک، خوردنی، خورش، آنچه خورده شود، اغذیه (جمع) و در اصطلاح موادی است که احتیاج جسم را برای نمو آن تأمین کند. غذا یا مواد خوردنی، عبارت است از: ماده‌های جامد یا به مایع اطلاق می‌شود که بعد از خوردن و هضم و جذب، بتواند اعمال زیر را انجام دهد: ۱- تولید انرژی. ۲- در تولید مثل، رشد و بقاء بدن مؤثر باشد. ۳- تنظیم اعمال حیاتی بدن. غذا یا مواد خوردنی، ماده‌های حیاتی است، ماده‌های آنچنان اساسی که بدون آن موجود زنده قادر به زیستن نخواهد بود. غذا، بنابراین؛ مانند: آب و هوا اساس و پشتوانه زندگی است. غذا، ماده‌های است که بدن موجود زنده قادر است آن را تغییر فرم داده به مواد مشابه خود تبدیل کرده و به مصارف مختلفی از قبیل: رشد و نمو، ترمیم، پاکسازی، جایگزین مداوم سلولهای از دست رفته، فعل و انفعالات شیمیایی موجود در بدن و تهیه مواد لازم جهت تولید مثل برساند. بنابراین؛ غذا، ماده‌های است که بتواند به مواد داخل سلول و سلولهای ساختار بدن مانند: استخوان، پوست، ماهیچه و عصب و غیره تبدیل گردد. با این وصف؛ غذا فقط به ماده‌های گفته می‌شود که برای بدن قابل استفاده و مفید بوده، مواد لازم برای تولید سلولهای جدید و انجام اعمال حیاتی آن را فراهم می‌آورد. هر آنچه غیر از این باشد، غذا نیست. تعریف غذا و مواد خوردنی بسیار سخت است و کلماتی مانند: خوردن، سلامت، مواد مغزی، تغذیه، انرژی رشد، زندگی به ذهن می‌رسند. هر ترکیبی که زمان خوردن یا آشامیدن ترکیبات ضروری (مواد مغزی) به بدن برساند که این ترکیبات برای رشد مناسب، بازسازی و تأمین مطلوب، ضروری هستند، غذا یا مواد خوردنی نامیده می‌شود. تعیین هیچ چیزی پر اهمیت‌تر از ترکیبات مواد خوردنی (غذایی) و خواص آنها نمی‌باشد. مواد غذایی (خوردنی) از سه گروه اصلی: کربوهیدراتها، پروتئین‌ها و چربی و مشتقات آنها تشکیل یافته است.

علاوه بر این، یک گروه غیرآلی معدنی و یک گروه آلی به مقدار جزئی وجود دارد. ویتامین‌ها، آنزیم‌ها، امولیسفایرها، اسیدها، اکسیدات، آنتی‌اکسیدانها، رنگدانه‌ها و مواد معطر، همه و همه جزء ترکیبات مواد غذایی می‌باشند. ترکیبات فوق طوری در مواد خوردنی (غذایی) مختلف شکل گرفته‌اند که باعث ویژگی بافت، ساختمان، مزه، رنگ و ارزش غذایی در یک ماده غذایی می‌گردند. (نورمنان باتر، جوزف اچ. هاچکس. ترجمه، فلاحی، مسعود، بی تا: ۵۳).



۲-۳. مواد آشامیدنی

مواد آشامیدنی یعنی مواد گوارا و به معنی برطرفکننده عطش آمده است. آشامیدن، نوشیدن یا گاردن، عمل معرف آب یا یک نوشیدنی از طریق دهان است. یکی از مهم ترین آشامیدنی ها آب است. به ابزار نوشیدن نوش افزار می گویند. آشامیدن به خوردن آب یا مایع دیگر نیز می گویند. (عمید: ۱۰۵۱).

۲-۴. مواد آرایشی

مواد یا لوازم آرایشی، موادی هستند که به منظور بهسازی یا حفظ ظاهر یا بوی بدن انسان به کار می روند. لوازم آرایشی شامل: کرم های محافظت کننده پوست، لوسیون ها (کرمهای مایع)، پودرها، عطرها، رژ لب، لاک ناخن، مواد آرایشی چشم و صورت، ف رمو، لنتهای رنگی، ژل و اسپری مو، اتو دورانت ها (ضد بو)، محصولات مربوط به نوزاد، روغن شستشو، کف وان (مایع ویژه وان)، نمک شستشو، روغن ها و دیگر انواع محصولات هستند. آرایش، واژه ای است که از لغت آرا؛ به معنی آرامستن، آرامیدن متشکل گردیده است. آرامستن با معنی زینت دادن، زیور کردن، خوش نما گردانیدن، آرایش کردن، نظم و ترتیب دادن، آرامستن و آرامیدن هم گفته می شود. (عمید: ۶۰) به طور کلی به مواد و لوازمی که مصداق موارد فوق باشد مواد آرایشی اطلاق می گردد.

آرایش، به معنی افزودن است و در اصل در برابر واژه پیرایش قرار می گیرد که به معنی کم کردن است. امروزه در اصطلاح عام، هر دو واژه در مورد زیبایی چهره یا بدن به کار می روند و به معنی عملیاتی هستند که ظاهر فرد (بیشتر روی و مو) را زیباتر جلوه می دهد. معمولاً در کشور ما آرایش برای بانوان و پیرایش برای مردان به کار می رود. آرایش و پیرایش اغلب در مکانی به نام سلمانی یا آرایشگاه توسط آرایشگر انجام می گیرد و لوازم آرایشی نیز در فرو شگاههایی با همین عنوان یا در داروخانهها فروخته می شود.

۲-۵. مواد بهداشتی

بهداشت، به معنی نیكو نگاه داشتن، نگاهداری، تندرستی، سابقاً حفظالصحه می گفتند. (عمید: ۲۳۷) بهداشت به زبان فارسی دری ((صحت)) علم و هنر پیشگیری از بیماریها، طولانی کردن عمر و بالا بردن سلامتی به وسیله کوششهای اجتماعی است. بر همین اساس، برای بهداشت فردی، عمومی، روانی و غذایی تعریفهایی وجود دارد. مواد بهداشتی شامل: دتو جنتها؛ انواع شویندهها، پاککننده با مکانیسم تخریب غشای سلولی، کلرید بنز و الکوئیوم از دتر جنتهای کاتیونیک است که در آنتی سبتیکهای پوستی مورد استفاده قرار می گیرد. صابونها؛ این محصولات نیز شامل املاح سدیم و پتاسیم اسیدهای چرب با زنجیره بلند با مکانیسم اختلال در عمل غشای سلول و افزایش تراوایی آن می باشند.

۳- کشف از طریق بازرسی های دوره ای و سرزده

کنترل و بازرسی واحدهای تولید و عرضه محصولات غذایی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد که صورتبه ادواری و بعضاً کاملاً سرزده صورت می پذیرد تا مجرم یا متخلف، فرصت امحاء آثار جرم یا تخلف را نداشته باشد. اغلب اوقات نیز این بازرسیها موجب کشف تخلف و جرم در مرحله مقدمات می گردد که از آسیب به مصرفکننده جلوگیری



می‌نماید و با مراقبت‌های ویژه و آزمایش مواد و محصولات تولیدی، منطبق بودن آن با استانداردهای مصوب و رایج و یا ضوابط تولید و فرمولاسیون ترکیب مواد و اجزاء سازنده احراز و در صورت عدم انطباق جهت رسیدگی به مراجع صالح ارسال می‌گردد تا متخلف و یا مجرم مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد. با این توصیف؛ منظور از بازرسی در این فرآیند بازدید و بررسی وضعیت بهداشتی مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد غذایی (خوردنی) آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و اماکن عمومی به منظور اعمال ضوابط (بهداشت محیط و سایر مقررات مربوطه که در فوق آمده) و مواد قانونی مربوطه است. هدف از این بازرسی‌ها نیز رعایت اصول و موازین بهداشتی و سایر مقررات مربوطه در مراکز تهیه و توزیع و فروش محصولات خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و وسایل نقلیه حامل آن، مکان نگهداری و عرضه سالم محصولات در جهت ارتقاء سلامت جامعه است که اهداف اختصاصی آن عبارتند از: الف) بازرسی از مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد غذایی و وسایل حمل‌ونقل مواد خوردنی آشامیدنی و بهداشتی: حصول اطمینان از رعایت اصول و موازین بهداشت فردی و عمومی در مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی. اطمینان از مطابقت وضعیت وسایل حامل مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی با توجه و رعایت ضوابط و آیین‌نامه‌های مربوطه. اعمال قوانین و مقررات مربوطه به مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد غذایی. ارائه آموزشهای لازم به متصدیان و کارگران مراکز مذکور. ب) بازرسی به منظور کنترل مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی : حصول اطمینان از عرضه محصولات سالم و جلوگیری از عرضه مواد فاسد یا مشکوک به فساد. حصول اطمینان از مطابقت وضعیت میکروبی و شیمیایی مواد غذایی با استانداردهای مربوطه. توقیف و نمونه‌برداری مواد مشکوک به فساد و جلوگیری از فساد و معدوم نمودن مواد. با توجه به دامنه گسترده جرم و تخلف در قلمرو مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی کلیه اماکنی که به نحوی در تولید، نگهداری، توزیع، عرضه حمل‌ونقل مواد غذایی نقش دارند مستعد برای ارتکاب جرم و تخلف می‌باشند که از جمله: انبارها، سردخانه‌ها، مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد غذایی و آشپزخانه‌ها و وسایل نقلیه را می‌توان برشمرد. قطعاً برای بازرسی و کشف تخلف می‌بایست ضوابطی را تعریف نمود تا بازرسان با آگاهی کامل نسبت به امور محوله اقدام نمایند.

شیوه‌های رایج و مختلف بازرسی از مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی نیز به شرح ذیل می‌باشد. مراجعه به مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی، (خوردنی)، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی طبق برنامه مدون و از پیش تهیه شده و کنترل مسائل بهداشتی و مواد غذایی و آرایشی و آموزش زمانی و مکانی. طرح تشدید کنترل بهداشتی اماکن و مراکز (طرح ضربت). اجرای گشت ویژه جهت برخورد با فروشندگان مواد غذایی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی به صورت دست فروش و دوره گرد. بازرسی در قالب اکیپ‌های مشترک با ارگانهای ذی ربط از جمله بازرسی در قالب اکیپ فرمانداری، بازدیدهای مشترک با شبکه دامپزشکی، بازدید با اتحادیه‌های مختلف صنعتی و... تغییر شیوه زندگی مردم از طریق تغذیه مناسب و بهداشتی. لذا، با توجه به گسترده بودن قلمرو بازرسی چالش‌هایی پیش روی آن قرار دارد.

به‌طور کلی چالش‌های موجود در بازرسی از مراکز تهیه و توزیع و فروش مواد غذایی و کنترل مواد غذایی به شرح ذیل می‌باشد: کمبود نیرو و ازدیاد مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی و وسایل حمل‌ونقل مواد خوردنی آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی. کمبود وسیله نقلیه جهت بازرسی. متناسب نبودن سرفصل آموزشی دانشگاهی با مسئولیت‌ها و بازرسی‌های بهداشتی. عدم اطلاع کافی متصدیان و کارگران مراکز و اماکن و همچنین جامعه از قوانین و مقررات جامعه. فقدان حق و حقوق و مزایای بازرسی در مقایسه با سایر ارگان‌هایی که وظیفه بازرسی دارند. تعداد مراکز بازرسی و دخالت در وظایف و مسئولیت‌های



یکدیگر. وجود بعضی از نارسایی های در کنترل قاچاق^۱ مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی. نداشتن و سایل ارتباطی (بی سیم، موبایل و ...) بازرسین با مراکز بهداشت و مربوطه. عدم حمایت قانونی از بازرسین حوزه مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی. کمبود امکانات، آزمایشگاههای کنترل.

۱-۳. مقررات و چگونگی بازرسی ها

قانون گذار^۲ تعزیرات حکومتی^۳، در بسیاری از موارد از بازرسان در قوانین و مقررات مربوط به قلمرو موضوع پژوهش سخن به میان آورده است و به بازرسان اشاره نموده لکن، مقررات و ضوابط خاصی را جهت انجام عملیات بازرسی مقرر ننموده است. ضوابط مربوطه بیشتر به صورت بخشنامه یا آیین نامه به مراکز همکاری همچون معاونت غذا و داروی دانشگاههای علوم پزشکی، بازرسان بهداشت محیط^۴، بازرسان تعزیرات حکومتی ابلاغ می گردد. آنچه مسلم است، بازرسان به عنوان مرجع قانونی جهت اعلام جرایم و تخلفات مطروحه تعیین شده و بر اساس این شرایط مقرر؛ وظیفه کشف، شناسایی و معرفی متخلفین و مجرمین و تنظیم صورت جلسه تخلف جهت ارجاع و معرفی متخلف و مجرم به مراجع صالح را به عهده دارند. در حال حاضر بازرسان در مواردی به صورت دوره های به مکانهای مربوط به مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی سرکشی نموده و با بررسی مکان تولید و عرضه مواد مذکور به وظایف خویش عمل می نمایند. گاهی نیز مصرف کنندگان با اعلام تخلف یا ارسال پیامک و یا برقراری تماس مبادرت به همکاری با بازرسان نموده و اطلاعات لازم در خصوص ارتکاب تخلف یا جرم به این روش به مراجع صالح اعلام می گردد.

۲-۳. مسئولیت بازرسان و ضمانت اجرای تکالیف آنها

یکی از دلایل شروع به رسیدگی به جرایم و تخلفات مربوط به مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، اعلام و گزارش بازرسان بوده و گزارش بازرسان ملاک عمل برای اثبات ارتکاب جرم محسوب می گردد که ماده ۱۸ به بعد از آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ به این مهم اشاره نموده است. آنچه مسلم است بازرسان به نوعی مسئولیت قانونی و نظارتی بر قلمرو موضوع پژوهش داشته و بر اجرای مقررات مربوطه مخصوصاً تعزیرات حکومتی و سایر قوانین مرتبط نظارت مستمر دارند.

با این وصف؛ بر اساس تکالیفی که قانون گذار تعزیرات حکومتی برای بازرسان مقرر نموده است عدم انجام وظایفی همچون نظارت مستمر، سرکشی های دوره ای، عدم تنظیم صورت جلسات تخلف، عدم معرفی مرتکب به مراجع صالح به رسیدگی از طرف بازرسان، تخلف بوده و گزارش بازرسان، سرکشی های مستمر جهت کشف جرم و تخلف و معرفی مرتکب به مراجع صالح دلیل متقنی جهت رسیدگی و تعقیب و مجازات مرتکب محسوب می گردد. شایان ذکر است؛ بازرسان به استناد ماده ۲۳ از آیین نامه تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ حق تجدیدنظرخواهی از آرای صادره را نیز دارند.

۳-۳. ارزش اثباتی گزارش بازرسان (حجیت گزارش^۴)

در حال حاضر مهم ترین مستند اکثریت پرونده هایی که تشکیل و در شعب تعزیرات حکومتی مورد رسیدگی قرار می گیرد بند (ب) ماده ۱۸ ق.ت.ح و بر اساس بند ۹ از ماده ۳ آیین نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت می باشد که سازمان



بازرسی و نظارت بر اساس وظائف و اختیارات قانونی موظف به بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات بوده، در این راستا کلیه تخلفات مکشوفه را طی گزارش به ادارات تعزیرات حکومتی و مراجع صالح اعلام و نتیجه را پیگیری می نماید. سازمان بازرسی و نظارت با تنظیم فرم هایی تحت عنوان «برگ گزارش بازرسی» و تعیین بازرسانی به طور منظم یا غیرمنظم از واحدهای صنفی و تولیدی بازرسی لازم را به عمل آورده و در صورت احراز تخلف برگ گزارش بازرسی تو سبط بازرسی یا بازرسان مربوطه تنظیم و امضاء شده و سپس توسط اداره بازرسی و نظارت مربوطه، به اداره تعزیرات یا مراجع صالح ارسال می گردد تا رسیدگی لازم جهت صدور رأی به عمل آید. برگ گزارش بازرسی در ۲ صفحه و ۴ نسخه تنظیم می گردد که نسخه اول (سفید) جهت رسیدگی به اداره تعزیرات ارسال می گردد. نسخه دوم (زرد) در اداره بازرسی و نظارت نگهداری می شود که نتیجه گزارش بر اساس بند ۹ ماده ۳ آئین نامه اجرایی سازمان نظارت و بازرسی و اختیارات حاصله از بند ج ماده ۲۳ آئین نامه ق.ت.ح (آئین نامه تعزیرات حکومتی) مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرد. نسخه (زرد) که در زمان فعالیت ستاد انصار به ستاد انصار ارسال می شد و نسخه چهارم (قرمز) به واحد بازرسی ارسال شده یا به همان متخلف ارائه می گردد. در برگ گزارش بازرسی ضمن قید مشخصات واحد بازرسی شده و کالا و مشخصات صاحب پروانه و اداره کننده واحد صنفی^۱ بازرسی شده در هنگام انجام بازرسی، عناوین تخلفات متخلف قید می شود و اداره بازرسی هم این مطلب را که آیا متخلفی که از واحد صنفی اش بازرسی شده سابقه دارد یا خیر را اعلام و در گزارش قید می نماید. چنانکه بعداً توضیح داده می شود مراتب تخلف در تعیین میزان مجازات قانونی حائز اهمیت خاصی است. در صفحه دوم فرم نیز در صدر صفحه دوم بازرسی باید تخلف را تشریح و دلائل و مستندات تخلف و چگونگی و میزان آن و سایر مسائل لازم را تدوین و قید نماید که متأسفانه در حال حاضر مراعات نمی گردد. در همین صفحه به متخلف ابلاغ می گردد ظرف ۱۰ روز از تاریخ تنظیم گزارش به اداره تعزیرات حکومتی مربوطه که آدرس آن در فرم توسط بازرسی قید می گردد مراجعه نماید و مفاد ماده ۲۸ آئین نامه تعزیرات حکومتی به متخلف تفهیم می گردد. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۸). به طور کلی گزارش بازرسان می تواند مانند: شهادت شهود محمل علم قاضی و رئیس شعبه و دلیل برای محکومیت متخلف یا متهم باشد با این دید و نظر که بازرسی عادل است و مشاهدات وی به عنوان شهادت برای شعبه کفایت نماید. همچنین گزارش کارشناس سازمان بازرسی و نظارت، کارشناسان رسمی دادگستری یا افراد خبره و... در خصوص میزان تخلف یا جرم، نوع تخلف و جرم، اصل وقوع تخلف و جرم، محمل صدور آراء در شعب رسیدگی به تخلفات و جرایم مطروحه است که معمولاً با ارجاع به کارشناس از طرف رئیس یا عضو شعبه صورت می گیرد.

۴-۳. اختیارات بازرسان

بازرسان در مباحث مربوط به جرایم و تخلفات دارای اختیاراتی بوده که قانونگذار نیز به آن صحه گذاشته و مورد حمایت قرار داده است. از جمله این اختیارات حق مراجعه به بنگاه ها و مکان های تولید، نگهداری و عرضه مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی می باشد. بررسی میدانی و دوره ای این اماکن نیز از جمله اختیارات دیگر بازرسان بوده و موضوع شناسایی و معرفی مرتکب به مراجع صالح از دیگر اختیارات بازرسان می باشد. هرگونه مقاومت و یا ممانعت از انجام فعالیت بازرسان توسط تولیدکنندگان و عرضه کنندگان محصولات و یا اماکن مربوطه توسط مالکین یا مرتکبین جرم بوده و در مراجع قضایی قابل پیگرد و عامل تشدید مجازات می باشد. همچنین



بازرسان در مواردی که آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی مغایر با قوانین باشد حق تجدیدنظرخواهی از آرای موصوف را دارند.

۴- کشف جرم از طریق دریافت شکایات:

اولین اقدام شاکی جهت اعلام جرم و پیگیری حق خود، و کشف جرم، صرف نظر از جرایم مشهود، تنظیم شکوائیه می باشد؛ زیرا طبق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ یکی از جهات قانونی برای شروع به تعقیب، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی است. البته اگر جرم جنبه عمومی داشته باشد، طرح دعوا و تعقیب متهم از این جنبه از وظایف دادستان محسوب می شود. طبق ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری شاکی یا مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند و شکوائیه نیز براساس ماده فوق دارای شرایطی است که قوه قضائیه مکلف است اوراق متحدالشکل مربوطه را در اختیار مراجعان قرار دهد تا مورد استفاده قرار گیرد. عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع شکایت نیست.

۴-۱. نحوه دریافت شکایات و تسهیلات اندیشیده شده برای آن:

به موجب مقررات کیفری شکایت ممکن است به روش کتبی یا شفاهی مطرح گردد. در شکایت کتبی، شاکی شکایت خود را با ذکر دلائل و مدارک مکتوب نموده و ارائه می دهد. درحالی که در شکایت شفاهی شاکی به صورت شفاهی اقدام به طرح دعوا می نماید. در حالت اول شکایت تقدیمی جهت رسیدگی به یکی از شعب بدوی ارجاع و شعبه مرجوعالیه پس از ثبت در چارچوب قانون رسیدگی را آغاز می نماید. در صورت طرح شکایت شفاهی در دادسرا و محاکم کیفری، مراتب در صورتجلسه یا برگ عادی قید و به امضای شاکی می رسد و سپس پرونده جهت رسیدگی به یکی از شعب ارجاع می گردد. در این خصوص ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۷۸ مقرر می داشت: ((... شکایت شفاهی در صورتجلسه قید و به امضای شاکی می رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد مراتب در صورتجلسه قید و به امضای شاکی می رسد، انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورتجلسه تصدیق می گردد)). (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۳).

در رسیدگی های تعزیراتی نیز اگر شکایت به صورت کتبی مطرح گردد مانند پرونده های محاکم کیفری رسیدگی می شود ولی در خصوص شکایت شفاهی نهی در مقررات شکلی حاکم بر سازمان وجود ندارد ولی به توجه به نوع وظایف سازمان تعزیرات حکومتی به نظر می رسد اهمیت رسیدگی به شکایات شفاهی در این مرجع بیشتر از محاکم دادگستری است، چرا که؛ اصولاً ضررهای وارده ناشی از تخلفات در صلاحیت سازمان، کمتر از سایر جرایم است و اشخاص متضرر وقت کمتری برای طرح دعوا صرف می نمایند به همین دلیل است که سامانه تلفنی و پیام کوتاه در سازمان برای طرح شکایت پیش بینی شده است. در نتیجه می توان گفت که اگر شکایتی به صورت شفاهی مطرح شود، شعب تعزیرات حکومتی موظف هستند مراتب را صورت جلسه و پس از طی مراحل اداری همانند سایر شکوائیه های کتبی اقدام به رسیدگی نمایند. (اعظمی چهار برج و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

۴-۲. حقوق شاکی در اطلاع از جریان پرونده

شاکی پس از وقوع فعل مجرمانه از سوی متهم، با مراجعه به دستگاه عدالت کیفری، شکایتی را برابر ضوابط قانونی تنظیم و به همراه مستندات تقدیم می نماید. مجریان قانون به استناد شکایت شاکی و دلائل ابرازی از طرف او، تحقیقات را شروع کرده و دلائل بیشتری را پیرامون قضیه جمع آوری می کنند. تحقیقات تا جایی ادامه می یابد که پس از سپری شدن مدت کوتاهی، پرونده ای از دلائل و مستندات علیه متهم شکل می گیرد. بسیاری از این دلائل به طور مستقل و بدون دخالت شاکی به دست می آید، درحالی که مسبب آن شاکی بوده است. چگونگی جمع آوری و شواهد و دلائل می تواند سرنوشت

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



دعوی را تغییر دهد، شاکي حق مراجعه و کسب اطلاعات از دلائل و مستندات مضبوط در پرونده را دارد. این درحالی است که قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه در قانون مصوب سال ۱۳۷۸ صراحتی نداشت. این رویکرد قانون تا حدودی با مؤلفه های دادرسی عادلانه هم خوانی نداشت. به هر حال این احتمال وجود دارد که پرونده حاوی اوراق جدیدی باشد که توسط مقامات محترم قضایی جمع آوری شده و شاکي بخواهد از آن ها کسب اطلاع نماید. سؤال قابل طرح این است که اگر قضایی، شاکي را از این حق محروم نماید، چه حمایت کیفری از وی در قانون به عمل آمده است؟ ((به نظر می رسد در قانون آیین دادرسی محدودیت‌هایی ایجاد شده که قاضی در هر حال باید مطابق قانون عمل نماید، بهتر بود در قانون آیین دادرسی جدید که در مرحله بازنگری و تصویب قرار گرفت به این بخش از حقوق شاکي توجه بیشتری می شد تا این نقیصه از قانون برطرف شود و این قسمت از حقوق شاکي مرتفع گردد چرا که ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره ای به این حق شاکي ندارد)). بحث بعدی در خصوص حقوق شاکي در اطلاع از جریان پرونده حق تهیه رونوشت از اوراق تحقیق است. مطابق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ شاکي حق داشت از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد به تبع این حق، برای دادگاه نیز تکلیف ایجاد می شود، اما رویه قضایی این تکلیف را به رسمیت نمی شناسد. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ مقنن در ماده ۳۵۱ از قانون اخیر به شاکي یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان اجازه مطالعه پرونده و تحصیل اطلاعات لازم را با دریافت تصویر از اوراق مورد نیاز در صورتی که طبقه بندی شده و مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت ۳ داخلی و یا خارجی نباشد اعطاء نموده است (ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴) لیکن، برخی قضات استناد این که ماده مزبور تکلیفی را برای دادگاه ایجاد نکرده است از دادن رونوشت امتناع می نمایند و برخی به عذر محرمانه بودن تحقیقات متوسل می شوند. (روزنامه اطلاعات، ۲۶، ۱۳۹۱، شماره ۲۵۳۶۱) درحالی که قانون گذار معیاری برای محرمانه بودن ارائه نموده و به همین جهت این عذر در برخی موارد ممکن است موجب اعمال رفتار سلیقه‌ای قضات شود.

در خصوص اخذ رونوشت از اوراق در پرونده‌های تخلف صنفی نیز قانونگذار تصریحی به حقوق اصحاب پرونده مبنی بر اطلاع از اوراق و محتویات و اخذ رونوشت یا کپی نموده است، لذا؛ با توجه به عام بودن قواعد آیین دادرسی کیفری به نظر می رسد کلیه شرایط مقرر در قانون اخیر به پرونده های تخلف صنفی و تعزیرات حکومتی تسری دارد و در این معقوله از مقررات مرقوم تبعیت می گردد.

۳-۴. حقوق شاکي در مطالبه خسارت:

هرگاه جرم یا تخلف انتسابی به متهم علاوه بر خلل به جامعه و مختل نمودن نظم عمومی، موجب ورود ضرر و زیان شده باشد، زیان دیده می تواند جبران خسارت و ضرر و زیان مادی و معنوی (قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و اصل ۱۷۱ از قانون اساسی) خود را از دادگاهی که به دعوی جزایی رسیدگی می کند بخواهد. تعدادی از جرایم از حیث جنبه عمومی حائز اهمیت اند و مراجع ذی ربط در مقام کشف و تعقیب آن بر می آیند و پاره های از جرایم جنبه خصوصی آن قوی تر است و با شکایت شاکي رسیدگی آغاز و در هر دو صورت طرح دعوی مدنی برای مطالبه ضرر سو زیان؛ هم زمان با طرح دعوی جزایی بلامانع است و اکنون دادگاه عمومی به هر دو عنوان رسیدگی می نماید ترجیح دارد که این دو دعوا توأمان رسیدگی گردد. (مدنی، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۳) با این وصف؛ خسارت یا ضرر در لغت به معنای گزند، نقصان، زیان و مقابل نفع است و زیان به معنای نقصان، خسارت، ضرر و ضد سود می باشد و آنچه که ضرر برساند و یا سبب زیان و خسارت و آسیب گردد زیان آور نامیده می شود. بنابراین، از نظر لغوی این دو کلمه مترادف یکدیگرند. (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۷۳) نکته آنجا است که ممکن است دعوی عمومی در دادگاه کیفری به صدور حکم محکومیت، برائت و یا قرار موقوفی تعقیب متهم منجر شود؛ اما آیا در همه این موارد،



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراوانی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



دادگاه مکلف است نسبت به دعوی خصوصی نیز رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید؟ با تصویب قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی تاکنون تغییرات مهمی در قوانین موضوعه در این زمینه رخ داده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. مقررات قانون آیین دادرسی کیفری از یک سو دادگاه کیفری را در رسیدگی به دعوای خصوصی، در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب، مشخص نکرده بود و از سوی دیگر، بین صدور حکم بر ((محکومیت)) و ((بازداشت)) متهم قائل به تفکیک شده بود. در مورد حکم محکومیت، ماده ۱۴ قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت: ((هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد، مکلف است ضمن صدور حکم جزایی، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود، صادر نماید...)). بدیهی است منظور قانونگذار از ((حکم ضرر و زیان)) مندرج در این ماده، الزام دادگاه به صدور حکم بر محکومیت مدعی علیه (متهم) نبوده بلکه نظر مقنن این بوده که قضات دادگاه‌ها پس از صدور حکم بر محکومیت متهم نسبت به دادخواست ضرر و زیان نیز با رعایت قانون، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند. در صورتی که رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان نیازمند رسیدگی بیشتری بود، دادگاه حکم جزایی را صادر و سپس به جنبه ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی می‌کرد. در هر صورت و به استناد ذیل ماده ۱۴ قانون مذکور، دادگاه جزایی نمی‌توانست با وجود حکم به محکومیت متهم، رسیدگی به دعوی خصوصی را به دادگاه حقوقی احاله کند. اما، در مورد حکم برائت صادره از دادگاه کیفری، ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری این دادگاه را به صراحت از رسیدگی به دعوی ضرر و زیان منع کرده، مقرر داشته بود: ((پس از صدور حکم بر تبرئه متهم، دادگاه جزایی نمی‌تواند در باب ضرر و زیان مدعی خصوصی حکمی صادر نماید؛ ولی مدعی خصوصی می‌تواند به دادگاه حقوقی مراجعه کند...)). حکم این ماده کاملاً منطبق با اصول آیین دادرسی کیفری بود؛ چه به استناد ماده ۱۱ همان قانون، به ادعای خصوصی فقط در صورتی که متضمن جرمی بود (نشأت از جرم) باید در دادگاه جزایی رسیدگی می‌شد و صدور حکم بر برائت ناگزیر مانع از پرداختن دادگاه به دعوای ضرر و زیان می‌شد. قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری (مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵) نیز اختیاراتی را تعیین نموده است. ماده ۹ این قانون در فصل سوم تحت عنوان ((اختیارات فوق‌العاده دادگاهها)) مقرر داشته بود در مواردی که دعوای جزایی به صدور حکم برائت قطعی یا موقوفی تعقیب قطعی منتهی شود، دادگاه صادرکننده رأی در صورت معد بودن پرونده به دعوی خصوصی نیز رسیدگی کرده، اتخاذ تصمیم می‌کند و در صورتی که پرونده آماده برای رسیدگی نبود، آن را به دادگاه صالح احاله می‌دهد که در این صورت، دادگاه اخیرالذکر بدون پرداخت هزینه دادرسی مجدد مکلف بود به دعوای خصوصی نیز رسیدگی کند. ملحوظ داشتن جنبه‌های عملی قانونگذار را به اتخاذ چنین تصمیمی هدایت کرده بود و این شیوه در مواردی که دادگاه به مناسبت رسیدگی به جنبه کیفری کاملاً در جریان خسارت وارد به مجنی‌علیه قرار گرفته و پرونده نیز آماده صدور حکم بود، به حل مشکل کمک می‌کرد؛ زیرا؛ در واقع امر احاله چنین پرونده‌های به دادگاه حقوقی جز اطلاع دادرسی اثر دیگری دربر نداشت. نسخ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ملحوظ داشتن مشکلات عملی، مقنن را بر آن داشت که در تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱ دادگاه‌های کیفری را، صرفنظر از تصمیمی که نسبت به دعوای عمومی اتخاذ می‌کنند، به رسیدگی به دعوای ضرر و زیان مدعی خصوصی مکلف کند: ((در صورتی که دعوای جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود، دادگاه مزبور مکلف است به دعوای حقوقی، در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد رسیدگی کرده و رأی صادر نماید)). بدین ترتیب ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ و تبصره مذکور که در حقیقت طلیعه تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب بود قدرت اجرایی پیدا کرد. هم‌اکنون نیز ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقرر می‌دارد: ((با تأسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی، رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسبی با لحاظ قلمرو محلی با دادگاه‌های مزبور خواهد بود)). با این همه، تفویض صلاحیت به دادگاه واحد برای اتخاذ تصمیم نسبت به هر دو دعوا در یک جلسه باشد؛ در مواردی که رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به اجرای تحقیقات و ارائه مدارک بیشتری است، دادگاه باید حکم جزایی را صادر و سپس در وقت مناسب به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده؛ حکم مقتضی صادر کند. ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در



امور کیفری م صوب ۱۳۷۸ به صراحت این مطلب را مورد حکم قرار داده است: ((... هرگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلائل و مدارک موجود صادر نماید. مگر این که رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزایی را صادر، پس از آن به درخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر نماید)). (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۵۴).

با این توضیح؛ ضرر و زیان به مادی و معنوی تقسیم می شوند و بعضی از اندیشمندان ضرر و زیان را به سه گروه تقسیم می نمایند: الف) ضرر و زیان مادی، ب) ضرر و زیان جسمانی، د) ضرر و زیان معنوی. عدهای ضرر و زیان جسمانی را جزئی از ضرر و زیان مادی دانسته و در نتیجه ضرر و زیان را فقط به مادی و معنوی منحصر می دانند. نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری (سابق) روش ویژه‌های برگزیده و ضرر و زیان ناشی از جرم را به شرح ذیل تقسیم کرده بودند: ۱) ضرر و زیان مادی. ۲) ضرر و زیان معنوی. ۳) منافع ممکن‌الحصول. به طوری که ملاحظه می شود نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری ضرر و زیان جسمانی را مسکوت گذاشته و در عوض منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه دانسته بودند. البته احکام مربوط به ضرر و زیان جسمانی در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بیان گردیده است. در قانون فعلی قانونگذار با حذف ضرر و زیان معنوی فقط دو نوع ضرر و زیان مادی و منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه دانسته است. در بحث خسارت جسمانی نیز مصونیت جسمانی شهروندان از هرگونه تعرضی، در اصل ۲۲ قانون اساسی تضمین گردیده است و طبیعی است که در صورت ورود خسارتی به تمامیت جسمانی افراد، عامل آن مکلف به جبران می شود. لطمه‌های وارده به تمامیت جسمانی ممکن است به جرح، نقص یا قطع عضو، بیماری و از کارافتادگی دائم یا موقت و یا مرگ مجنی علیه منجر شود (مواد ۴، ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی) و بدین ترتیب، خسارات وارده به زیان‌دیده می تواند جنبه مادی، معنوی و یا عدمالنفع داشته باشد. بدیهی است هرگونه نقص و ضایعه بدنی الزاماً ایجاد حق مطالبه برای مجنی علیه نخواهد کرد و دادگاهها باید با توجه به اوضاع و احوال و نوع فعالیت و کاری که زیان‌دیده انجام می داده، نسبت به آن اتخاذ تصمیم نمایند: ((اگر آسیب جسمی انعکاس بر روی بهره کار و عواید مجنی علیه نداشته باشد قاضی باید دعوی عدمالنفع را رد کند)). (مازو: ۱۱۳).

در مورد خسارت مادی و جبران کامل آنکه شامل هزینه‌های معالجه، خسارت از کارافتادگی و جبران افزایش مخارج زندگی و غیره است، در چهارچوب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مسئولیت مدنی قبل از انقلاب اسلامی، تردیدی وجود نداشت؛ اما با تصویب قانون تعزیرات که در ماده ۱۵۴ در مورد خسارات ناشی از تصادفات رانندگی فقط ((خسارت مادی ضمان آور وارد بر متضرر از جرم)) را قابل جبران دانسته، این پرسش مطرح گردیده است که آیا می توان جانی را بابت هزینه معالجات و خسارات از کارافتادگی به مبلغی بیش از دیه مقرر شرعی محکوم کرد؟ پاسخ آن نیازمند پرسش و شناخت ((ماهیت حقوقی)) دیه دارد.

به گونه ای که می دانیم دیه در قانون مجازات اسلامی، مجازات تلقی شده است. (ماده ۱۲ ق.م.ا) و (ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی. ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) سابق نیز بر این امر صحه گذاشته و به این اعتبار، میزان آن را خود قانون گذار از پیش تعیین نموده و به نظر قاضی واگذار نکرده است، اما از سوی دیگر، دیه دارای ویژگی هایی است که آن را به جبران خسارت نزدیک تر می کند از جمله این که دیه به مجنی علیه و اولیای دم پرداخت می گردد، نه صندوق دولت و حتی در قوانین موضوعه پرداخت آن در مواردی از طریق بیت المال پیش بینی شده است. (ضرر و اقسام آن در مسئولیت مدنی: ۲۰۲-۲۱۵) و (حقوق جنائی: ۱۱۴-۱۱۸) همچنین دیه حق الناس است و در فقه و قوانین موضوعه (مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ ق. ت. ع) بر ضرورت مطالبه آن برای اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه تأکید شده است. این ویژگی ها و بسیاری خصوصیات دیگر دیه سبب شده است که نه فقط حقوق دانان نسبت به ماهیت حقوقی دیه اتفاق نظر نداشته باشند، بلکه وحدت رویه ای نیز بین تصمیمات دادگاهها وجود نداشته باشد. با این وصف؛ تمام موارد فوق بستگی به شرایط ذیل دارد و تحقق ضرر و جبران آن منوط به بررسی



موارد ذیل است. (۱) شرایط و اوصاف ضرر و زیان. (۲) ورود ضرر و زیان محقق باشد. (۳) ضرر و زیان باید اختصاصی بوده و غیرمتعارف باشد. (۴) ضرر و زیان باید به آن قسمت از وضع حقوقی افراد که مورد حمایت قانون است وارد شده باشد و (۵) رابطه سببیت. (باریکلو، ۱۳۸۵).

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ قانونگذار به تشنت آراء و اختلاف در تفاسیر خاتمه داده و برای شاکی حق مطالبه و جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را قائل شده است که می توان به مواد ۱۴ الی ۱۹ از قانون اخیر اشاره نمود و از این حیث؛ شاکی می تواند نسبت به مطالبه خسارات اقدام و دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارات مالی به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل: الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرایم و امثال آن حکم نماید و زیان دیده می تواند دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند که مستلزم تشریفات آیین دادرسی مدنی است. بدیهی است دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می نماید. (قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴).

۴-۴. مشکلات و نارسائی ها در زمینه طرح و پیگیری شکایات:

مطالعه قوانین تعزیرات حکومتی، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی و سایر قوانین مرتبط حکایت از پراکندگی قوانین در خصوص موضوع پژوهش دارد. سردرگمی قانون گذار در بحث نگرش به مباحث موضوع پژوهش خود موجب سردرگمی قضات محاکم قضایی و تعزیراتی گردیده و مراد مقنن در رسیدگی به امور مربوطه و موارد مطروحه حاصل نگردیده است. عدم تکریم ارباب رجوع در مراجع ذی صلاح و رسیدگی کننده به جرایم و تخلفات موضوع پژوهش.

عدم وجود سرعت عمل در رسیدگی شکایات اشخاص و ندادن پاسخ مناسب و به موقع به قربانیان جرایم و تخلفات مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، عدم احقاق حقوق حقه آنان از مشکلات و نارسایی های موجود می باشد. با توجه به تخصصی بودن قلمرو پژوهش و جرایم و تخلفات آن و بین المللی بودن مباحث مربوطه، امروزه عدم کنترل، نظارت و دقت و سرعت عمل در امور مربوط به رسیدگی، کشف، تعقیب و مجازات مجرمان و جبران خسارات زیان دیده همه و همه بیانگر مشکلات و نارسایی های عدیده بوده و این مسأله به نوعی موج نارضایتی عمومی را به همراه خواهد داشت. احساس خلاء سنگین ناشی از عدم حضور و وجود متخصصین مربوط به قلمرو موضوع جرایم مطروحه در صحنه بیش از پیش موجب تسهیل و ایجاد شرایطی جهت ارتکاب جرم و تخلف برای مرتکبین گردیده است. عدم نظارت دقیق و به موقع و به روز نبودن قوانین و مقررات، خود در ارتکاب جرایم و تخلفات در قلمرو موضوع پژوهش حاضر تسهیل ایجاد نموده و با این وضعیت مجرم پروری و متخلف پروری در کشور ما رواج یافته است، لذا، جا دارد که نسبت به موضوع جرایم مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مطالعه و تدقیق و کار کارشناسی صورت گرفته و مراجع صالح به رسیدگی نیز با مذاقه در پرونده های تشکیلی توسط ضابطان و بازرسان یا اشخاص اعم از: حقیقی و حقوقی، علی الخصوص سازمان های مردم نهاد (سمن ها) موجبات کاهش تخلف و جرم و احقاق حقوق بزه دیده و زیان دیدگان را فراهم آورند.

۵- امکان شکایت از آراء و تصمیمات اتخاذی یا اعتراض به آنها:

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تظلم خواهی، از حقوق آحاد ملت است و افراد می توانند برای رسیدن به حقوق قانونی خود به دادگستری و یا مراجع صالح نظارتی و شبه قضایی و یا اختصاصی مراجعه کرده و آن را به صورت قانونی



مطالبه کنند. اما؛ برای اینکه افراد بتوانند به صورت کامل به حق خود برسند، قانون گذار علی رغم اطلاع دادرسی (طولانی شدن روند رسیدگی) رسیدگی دو مرحله ای را نیز پیش بینی نموده و اعتراض به رای صادر شده را از حقوق افراد می داند که هر یک از این راههای اعتراض به رای در شرایط و زمان های خاص خود مورد استفاده قرار می گیرند. معهداً، پس از صدور رای بدوی، در صورتی که هر یک از طرفین به رای دادگاه اول (دادگاه بدوی) معترض بوده و رای را برخلاف منفعت و مصلحت خود و مغایر با قانون بدانند؛ می توانند تحت عناوین و قالب های تعریف شده قانونی اقدام به اعتراض به رای کنند. پس از آن و پس از صدور رای مورد اعتراض و اخذ تصمیم در مرجع رسیدگی به اعتراض به رای (واخواهی و تجدیدنظرخواهی)، در قالب های دیگر مانند: فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث و... می توان مجدداً نسبت به رای شکایت نمود. توسل به هر یک از راه های شکایت و اعتراض به رای شرایط و ویژگی ها و آثاری دارد که در این مقاله و در ادامه به طور مختصر به آنها پرداخته می شود.

۶- تجدیدنظرخواهی و شکایت از آراء و تصمیمات اتخاذی محاکم کیفری:

۶-۱. آراء صادره از محاکم بدوی کیفری و تصمیمات دادگاه

از زمانی که دعوی کیفری به دادگاه ارجاع می شود تا اعلام ختم دادرسی و صدور رای مدتی به طول می انجامد و مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) و چه در دادگاه طی می شود که دقیقاً نمی توان برای آن جدول زمانی تعیین نمود. اقدامات مأمورین ضابط و قضات مراجع قضایی برای کشف، تعقیب، تحقیق و رسیدگی نمی تواند در تمام جرایم مکان و زمان معین داشته باشد، لذا؛ در این خصوص با موضوع انواع کلی تصمیمات دادگاه روبه رو خواهیم بود. طبیعت جرایم و حالات روانی افراد ارتباط مستقیم با این نوع پرونده ها، شکات و متهمین و تقاضاهایی که می کنند مستلزم تصمیمات قضایی و اداری گوناگونی است که نقش اصلی و اساسی دادگاه در اتخاذ این تصمیمات قضایی مشخص می گردد که قرار و حکم نامیده می شود. حکم دادگاه زمانی صادر می شود که پرونده از تمام تلاطم های مطلوب و غیرمطلوب گذشته و به پایان خط رسیده باشد. حکم محکومیت یا براءت متهم ثمره طی این راه طولانی و گاهی کوتاه است اما، قرار انواع مختلف دارد که به ذکر نام های آن بسنده می کنیم. قرارهای نهایی دادگاه شامل: قرار موقوفی تعقیب - قرار منع تعقیب - قرار مجرمیت - قرار اناطه - قرار امتناع از رسیدگی - قرار ایراد به صلاحیت شخصی - قرار ترک محاکمه - قرارهای کیفری محدودکننده آزادی و قرارهای تأمین و قرار تعلیق تعقیب یا مجازات است. (مدنی، ۱۳۸۵: ۴۰۵ - ۴۱۴). در خصوص قطعیت یا عدم قطعیت قرارها ماده ۱۷۱ اصلاحی سال ۱۳۳۷ ق.آ.د.ک سابق انواع قرارهای کیفری مرحله بازپرسی را قابل اعتراض و شکایت دانسته بود. قانون دادگاه های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۳ با حذف دادسرا، در بند (ب) ماده ۱۹ در مقام بیان موارد قابل تجدیدنظر پنج نوع قرار را قابل تجدیدنظر شناخته است که تقریباً همه آن ها مربوط به دعاوی مدنی است. یعنی وضع قرارهای کیفری رامسکوت گذاشته است. با این سکوت بسیاری عقیده داشتند، قرارهای کیفری قابل اعتراض نیستند، حتی قرار بازداشت موقت را قطعی می دانستند. رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مقارن تصویب قانون آیین دادرسی کیفری با این که دیر هنگام بود، تا حدی وضعیت را مشخص نمود. قرار بازداشت موقت طبق ماده ۳۳، قرار رد ایراد دادرسی طبق ماده ۲۳۳ مصوب ۱۳۷۸ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان می باشند. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ این قرارها افزایش یافته و بنا به تناسب و شرایط و اوضاع و احوال قضیه مورد اعمال قرار می گیرد. البته با توجه به تأسیس اخیر مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله اجرای حکم، به این قرارها می بایست، قرار تعلیق مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی را



نیز افزود. در حال حاضر محاکم کیفری رسیدگی به جرایم عمومی به دادگاههای کیفری یک و دو و مراجع اختصاصی مقرر تقسیم می‌شوند که هر کدام واجد صلاحیت ذاتی، محلی و... می‌باشند.

۲-۶. احکام حضوری

آخرین اقدامی که قاضی دادگاه در رسیدگی به اتهام انجام می‌دهد اعلام ختم دادرسی در جایی که احکام و رسیدگی حضوری باشد بوده و این بدان معنی است که رسیدگی به طور کامل انجام گرفته و دادگاه اقدام دیگری را لازم نداند. یعنی زمان اعلام نظر، عقیده و رأی فرارسیده است و صدور رأی ممکن است بلافاصله پس از ختم دادرسی و در همان جلسه انجام گیرد. این مبحث در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب با این رویکرد بود که پس از ابلاغ رأی که قانون آیین دادرسی کیفری دو راه شامل: ۱- ابلاغ رأی به همراه اعلام آن وسیله قاضی دادگاه ۲- ابلاغ دادنامه، که باید ظرف سه روز سپس از انشای رأی تهیه شود، مهلت تجدیدنظرخواهی و اعتراض به رأی صادره از همان زمان آغاز می‌شود. در قانون اخیرالتصویب به استناد ماده ۳۷۴ به بعد دادگاه در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند و می‌بایست غیابی بودن و قابلیت واخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند هرچند عدم اعلام تأثیری در ماهیت امر و نتیجه آن ندارد.

۳-۶. آرای غیابی

اصل بر این است که آراء دادگاه حضوری باشد یعنی متهم در مراحل رسیدگی حضور داشته باشد، از خود دفاع کند و دادگاه با توجه به تمام دلائل، اسناد و مدارک، قرائن و امارات رأی خود را صادر نماید. اما همیشه چنین نیست، بنا بر جهاتی ممکن است دسترسی به متهم پیدا نشود (هرچند قانون گذار تمهیدات لازم را فراهم و پس از انقضاء مهلت مقرر مرجع رسیدگی کننده می‌تواند نسبت به موضوع اظهارنظر نماید و مقررات دادرسی الکترونیکی نیز پیش بینی گردیده است و به نظر می‌رسد با این دفاع از او، پرونده به مرحله صدور رأی برسد در این صورت اگر دادگاه رأی صادر نماید، چنین رأی غیابی است و باید ترتیبی رویکرد قانونگذار، عملاً جنبه غیابی بودن آرای اصداری می‌تواند منتفی باشد) و درنهایت بدون استماع توضیحات وی و اخذ داده شود که در اجرای رأی، حقوقی از متهم سلب نگردد. با این حال اگر محکوم علیه حکم غیابی که مجرم شناخته شده چون در دادگاه حضور نیافته و لایحه نفرستاده و وکیل نداشته، حق واخواهی دارد. حق واخواهی یعنی می‌تواند به رأی صادره اعتراض کند همان دادگاه مجدداً نسبت به آن موضوع با توجه به مدافعات متهم رسیدگی کند. درواقع رسیدگی که دادگاه در غیاب متهم انجام داده کاری ناقص است، تکمیل آن پس از واخواهی انجام می‌شود بنابراین؛ اگر محکوم علیه اعتراض به رأی غیابی نمود و مدافعاتی هم داشت، که دادگاه آن را مؤثر تشخیص دهد و یا بررسی مدارک و مدافعات مستلزم تحقیق بیشتر باشد با تعیین وقت جلسه رسیدگی و رعایت تمامی تشریفات دادرسی طرفین را دعوت می‌نماید. ممکن است جلسات متعدد لازم باشد و دلائل بسیاری ارائه گردد. دادگاه باید به همه موارد برسد، عدم حضور شاکی یا مدعی خصوصی مانع ادامه رسیدگی نیست. رأی دادگاه بعد از رسیدگی ممکن است برائت متهم باشد، ممکن است محکومیت متهم نظیر رأی قبلی باشد، یا وضع خفیف‌تری داشته باشد، حال باید دید با واخواهی می‌شود رأی بعدی شدیدتر باشد؟ پاسخ منفی است.

۴-۶. تجدیدنظر از احکام

در قوانین تشریفات دادرسی کیفری اقدامات زیادی پیش بینی شده تا قضات بتوانند احکام عادلانه قانونی صادر کنند، بسا وجود تمام تدابیری که اتخاذ شده باز هم احتمال اشتباه و خطا وجود دارد، نگرانی از این که بیگناهی با حکم دادگاه بدوی در



معرض مجازات قرار گیرد، در سنوات قبل، تحت شرایطی مرحله تجدیدنظر پیشین شده است که در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ باب سوم به عنوان تجدیدنظر احکام ضمن ۳ فصل از ماده ۲۳۲ الی ۲۷۱ به این مهم پرداخته النهایه مسائل فرجام و تجدیدنظر را به هم آمیخته است. قانون دادگاه های عمومی و انقلاب سال ۷۳ و قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ دو مرجع قضایی تجدیدنظر کیفری در نظر گرفته اند. دادگاه تجدیدنظر استان و شعب کیفری دیوان عالی کشور. قانون گذار آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ نیز بخش چهارم از قانون اخیر را به این موضوع در قالب اعتراض به آراء اختصاص داده و دو مرجع تجدیدنظر قضایی پیشین مورد تأیید قرار گرفته است که مواد ۴۲۶ الی ۴۶۱ به بحث تجدیدنظر و مواد ۴۶۲ الی ۴۷۳ به بحث فرجام خواهی و مواد ۴۷۴ الی ۴۸۳ به بحث اعاده دادرسی می پردازند. تعیین کیفیت رسیدگی در مرحله تجدیدنظر و ثبت رایانه ای آن نیز از محسنات قانون اخیرالتصویب می باشد. در صورت عدم اسقاط حق تجدیدنظر و فرجام به استناد ماده ۴۰۶ به بعد و ماده ۴۳۱ مهلت درخواست یا دادخواست برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و خواهی است.

۵-۶. دادگاه تجدیدنظر استان

در قانون سال ۱۳۷۸ طبق ماده ۲۰ قانون دادگاه های عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود. جلسه دادگاه با حضور دو نفر رسمیت می یابد. مرجع تجدیدنظر آراء دادگاه های عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدیدنظر همان استان است مگر در مواردی که قانون دیوان عالی کشور را معین کرده باشد. قانون مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ نیز در مواد ۴۲۶ به بعد با همین کیفیت دادگاه تجدید نظر را مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیر قطعی کیفری تعیین نموده است.

۶-۶. دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور عالی ترین مرجع قضایی کشور است که از دو بخش شعب دیوان عالی کشور و بخش دوم دادرسی دیوان تشکیل گردیده است. دیوان عالی کشور برابر اصل ۱۶۱ قانون اساسی به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه تعیین می کند تشکیل می گردد. قانون عادی می تواند مسئولیت هایی به دیوان محول نماید و به همین جهت قانون دادگاه های عمومی و انقلاب سال ۷۳ و قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ بخشی از تجدیدنظر احکام مرحله بدوی را به عهده دیوان عالی کشور گذاشته بود. با تصویب قانون اخیر مقنن مواد ۴۶۲ به بعد را به دیوان عالی کشور اختصاص داده که در تهران مستقر و شعب آن از رئیس و دو مستشار تشکیل می شود و مرجع فرجام خواهی از ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری است. دیوان می تواند در نقاط دیگر کشور شعبه مستقر داشته باشد.

۶-۷. اعاده دادرسی

قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ باب چهارم را از ماده ۲۷۲ الی ۲۷۷ به اعاده دادرسی اختصاص داده، ولسی تعریفی از این تأسیس حقوقی ارائه ننموده است. با توجه به مواردی که از اعاده دادرسی بیان گردید می توان آن را چنین تعریف نمود: ((اعاده دادرسی عبارت است از: طریق فوقالعاده و عدول از رسیدگی نسبت به حکم قطعی که اجرای آن نگرانکننده، غیرمنطقی و غیرمعقول می نماید. اعاده دادرسی یک طریقه عدول است که به لحاظ اوضاع و احوال جدید که در زمان صدور حکم مخفی مانده، همان دادگاه رسیدگی مجدد می نماید. اعاده دادرسی راهی است برای بازگشت به همان دادگاهی



که قبلاً حکومت کرده و به منظور درخواست عدول از رأیی که سابقاً داده و قطعی شده و شاکه مدعی است از روی اشتباه بوده است. حکمی که قطعی نشده و هنوز مراحل را برای رسیدگی دارد قابل اعاده دادرسی نیست. باید از همان طرق عادی مثل تجدیدنظر استفاده نمود و آن را از اثر انداخت. اعاده دادرسی در عین حال نمایانگر قدرت احکام قضایی است، یعنی حکم قطعی به هر حال باید اجرا شود و افراد نمی توانند بنا بر معاذیر مختلف از اجرای آن امتناع نمایند و اگر مبانی حکم پوچ و بی معنی و متزلزل است باید با رسیدگی قضایی و با عنوان اعاده دادرسی آن را از اثر انداخت. مقامات اداری و اجرایی و قدرتهای صاحب نفوذ حتی در مواردی که اجرای حکم توجیه منطقی ندارد با نظر خود نمی توانند مانع اجرای حکم شوند. با این وصف؛ جهات اعاده دادرسی به شرح ذیل می باشد. در محکومیت به اتهام قتل. محکومیت متعدد نسبت به جرم واحد. احراز بی گناهی یکی از دو محکوم. جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت. اثبات بی گناهی یا واقعه جدید. عدم تناسب کیفر با جرم به لحاظ اشتباه قضایی. کاهش مجازات در قانون جدید. علی القاعده اعاده دادرسی هم گرچه طریق فوق العاده شکایت است اما، مثل دیگر طرق شکایت (تجدیدنظر و فرجام) باید از تاریخ پیدا شدن موجب و عامل و سبب اعاده دادرسی موعده داشته باشد که ق.آ.د.ک موعده معین ننموده است و به نظر می رسد این مهلت به صورت عمدی معین نشده است تا هر زمانی امکان به جریان گذاشتن موضوع باشد. در قانون مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ مقنن فصل چهارم از مواد ۴۷۴ الی ۴۸۳ را به اعاده دادرسی اختصاص داده و به دیوان عالی کشور تسلیم می شود.

۷- تجدیدنظر خواهی و شکایت از آراء تعزیرات حکومتی با توجه به صلاحیت سازمان غیر از تخلفات صنفی

با توجه به صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی به شرح ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ در خصوص تخلفات اقتصادی، بهداشتی، قاچاق بخش غیر صنعتی و صنفی و موارد شروع به رسیدگی شعب تعزیرات حکومتی وفق ماده ۱۸ از آیین نامه مصوب ۱۳۷۳ نحوه رسیدگی در این مرجع به صورت حضوری و غیابی بوده و آراء صادره به صورت قطعی و قابل تجدیدنظر می باشند. لذا؛ به جهت تجدیدنظر و اعتراض به آراء اشخاصی صالح شناخته شده اند که در ماده ۲۲ و ۲۳ از آیین نامه اشاره گردیده اند. این مواد اشعار می دارند: آرای شعب بدوی در مواردی که مجازات پیش بینی شده در قانون برای هر بار تا یک میلیون ریال جریمه باشد قطعی و از ناحیه محکوم علیه نسبت به مازاد قابل تجدیدنظرخواهی می باشد. ماده ۲۳ از آیین نامه مذکور نیز اشعار می دارد. ((اشخاص ذیل نیز حق تجدیدنظرخواهی از کلیه آراء شعب بدوی را دارند)). الف) شاکه خصوصی پرونده در صورت براءت متهم. ب) اعضای کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات در استان و شهرستان مربوطه. ج) رؤسای سازمان های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت. تبصره ذیل ماده مذکور نیز مقرر می دارد: در صورتی که محکوم علیه و یا رؤسای سازمان های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند با ذکر دلایل، قابل رسیدگی مجدد با درخواست از وزیر دادگستری دانسته است. در صورت وارد دانستن دلایل توسط وزیر دادگستری و یا غیرقانونی دانستن آن پرونده جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که در مرکز تشکیل می گردد ارجاع و رأی شعبه قطعی است. بر طبق ماده ۲۴ از آیین نامه، مهلت تجدیدنظرخواهی برای محکوم علیه و شاکه ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ و نسبت به سایر اشخاص مذکور در ماده ۲۳ تا ۳ ماه پس از تاریخ صدور حکم می باشد. با توجه به لزوم بررسی تخلف و جرایم موضوع پژوهش حاضر و نقش مجازات، شعب تجدیدنظر وفق ماده ۲۵ از



آیین نامه، در صورتی که آرای شعب بدوی را کمتر از مجازات مقرر قانونی بدانند می توانند آن را تشدید نمایند که به نظر ما این امر در خصوص احکام مستند به قانون نظام صنفی ساری و جاری نخواهد بود.

۸- مراجع و شیوه تجدیدنظر و فرجامخواهی در تخلفات و جرایم صنفی

۸-۱. هیئت‌های سابق رسیدگی به تخلفات اصناف

هر یک از طرفین می توانستند در صورت معترض بودن به رأی صادره از سوی هیئت‌های رسیدگی بدوی، اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی به مرجع تجدیدنظر تسلیم کند. هیأت یا هیئت‌های تجدیدنظر در هر شهرستان مرکب از ۳ نفر شامل، رئیس اداره یا سازمان بازرگانی یا یکی از معاونان وی، رئیس دادگستری یا نماینده معرفی شده وی با حکم رئیس قوه قضائیه و رئیس یا یکی از اعضای مجمع امور صنفی ذی ربط بود که ظرف یک ماه به درخواست طرف معترض، می تواند با دعوت هر یک از طرفین رسیدگی و عدم حضور نیز مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نبود. در صورت عدم امکان تشکیل هیأت رسیدگی در هر شهرستان یکی از هیئت‌های رسیدگی شهرستان هم جوار استان یا مرکز استان وظایف مقرر شده را عهده دار بود. (ماده ۷۲ ق.ن.ص) همچنین امکان شکایت از آراء در اینجا در صلاحیت دیوان عدالت اداری بود.

۸-۲. شعب سازمان تعزیرات حکومتی و صلاحیت رسیدگی به جرایم صنفی و امکان تجدیدنظر آن

اشخاص ذیل حق تجدیدنظرخواهی از آرای شعب بدوی را در شعب تجدیدنظر دارند: الف) شاکی خصوصی پرونده در صورت براءت متهم. ب) اعضای کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات در استان و شهرستان مربوطه. ج) رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت. علاوه بر شعب تجدیدنظر هرگاه محکوم علیه و یا رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. فرجامخواهی از آراء شعب تعزیرات، در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

۸-۳. شکایت از آرای صادره سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص تخلفات صنفی:

دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات و اعتراضات نسبت به آراء قطعی صادره از اغلب دادگاههای اختصاصی اداری و از جمله سازمان تعزیرات حکومتی است. بنابراین؛ هر یک از طرفین دعوی که در سازمان تعزیرات حکومتی، رأی قطعی علیه آنها صادر شده و محکوم شده‌اند (به استثناء واحدهای دولتی) می‌توانند؛ در دیوان عدالت اداری علیه رأی صادره اعتراض نمایند. دیوان رأی دادگاه اختصاصی اداری را مورد بازنگری قضایی قرار می‌دهد. نتیجه رسیدگی دیوان عدالت اداری به شکایت از آراء قطعی صادره از دادگاه‌های اختصاصی اداری و از جمله سازمان تعزیرات حکومتی، این است که یا رأی صادره را تأیید می‌نماید و یا رأی صادره را رد می‌کند. (هداوند، ۱۳۹۰: ۷۸ - ۸۰).

۹- نقش سازمانهای مردم نهاد و سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرفکنندگان

از زمان تشکیل سازمان جهانی استاندارد (ایزو) (The International Organization Standardization) (ISO) در سال ۱۹۴۷ میلادی، حقوق مصرف کننده به عنوان یک نگرانی جهانی مطرح شد. در این راستا علاوه بر دولت‌ها، گروه‌های مردمی غیردولتی تحت عنوان سازمان‌های غیردولتی مصرفکننده به سرعت در کشورهای پیشرفته دنیا شکل گرفت تا با دفاع هماهنگ و سازمان دهی شده از حقوق مصرف کنندگان و افزایش آگاهی‌ها، حضور مصرف کننده را در بازار پررنگ کند. این مهم در گسترش ابعاد اقتصادی و حمایت از تولیدکنندگان نیز تأثیر بسزایی داشت. امروزه سازمان‌های غیردولتی در سراسر دنیا از شرکای مهم توسعه جوامع به شمار می‌روند. این سازمان‌ها با توجه به این که بستر رشد و



ارتقای افراد و نیز زمینه‌ساز بروز توانمندی‌ها و عوامل آن‌ها در ایفای مسئولیت اجتماعی هستند، مؤثرترین کانال مشارکت مردم در فعالیت‌های مرتبط با فرآیند توسعه پایدار به شمار می‌روند. به‌همین دلیل در کشور ما هم توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور در طی سال‌های اخیر به این حوزه جلب شده است، به‌طوری‌که در برنامه چهارم توسعه در اغلب بخش‌های آن توجه و تأکیدات زیادی به حضور و جلب مشارکت این دسته از سازمان‌ها گردیده است. سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد به عنوان بازیگران جدید در کنار دولت‌ها و سازمان‌های دولتی واجد انحصار حاضر شده تا به عنوان رابط میان مصرف‌کننده، تولیدکننده با دولت، مدافع منافع این طبقه باشند و کاستی‌ها و نارسایی‌های ناشی از ضعف عملکرد نهادهای دولتی، در حمایت از این قشر در برابر تولیدکنندگان قدرتمند را جبران کنند. این سازمان‌ها تلاش می‌کنند یا مصرف‌کننده به اساسی‌ترین حقوق خود یعنی حق رفع نیازهای اساسی، بهره‌مندی از کالا و خدمات سالم و بدون نقض، دریافت اطلاعات کامل، جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از مصرف کالاهای و خدمات معیوب و غیراستاندارد، حق برخورداری از طرح شکایت در هنگام بروز خسارت ناشی از مصرف کالا و خدمات و اقدام به موقع و عادلانه از سوی مصرف‌کنندگان، حق استفاده از خدمات پس از فروش عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را محقق سازند. به هر حال هدف این مجموعه جهت‌دستیابی به توسعه و گسترش سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تولیدکنندگان می‌باشد. با این وصف، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز از جمله نهادهای حمایت‌کننده بوده و زیر نظر مجموعه وزارت بازرگانی (صنعت و معدن و تجارت جمهوری اسلامی ایران) فعالیت می‌نماید. در سال ۱۳۵۸ از ادغام مرکز بررسی قیمت‌ها و صندوق حمایت مصرف‌کنندگان به وجود آمد و اساسنامه آن به تصویب شورای انقلاب رسید. (همشهری آنلاین، سه شنبه، ۱۹ مرداد ۱۳۸۹). به موجب ماده ۳ اساسنامه سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد و به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود و وابسته به وزارت بازرگانی است. همچنین بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۲ شورای عالی اداری، کلیه وظایف و اختیارات سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات و آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ ستاد پشتیبانی تنظیم بازار که با قوانین و مقررات موجود مطابقت دارد، به سازمان حمایت محول شد.

۱۰- نقش سازمانهای مردم‌نهاد (غیردولتی) در کشف جرایم مربوطه و اعلام آنها

با توجه به پیچیدگی جرایم موضوع پژوهش حاضر اساساً شناسایی و کشف آن به آسانی صورت نمی‌پذیرد. هم‌زمان با پیچیدگی جرایم و وقوع جرایم سازمان یافته، برنامه ریزی پیشگیری از وقوع جرم نیز مستلزم سازمانیافتگی و تأسیس نهادهای تخصصی در این حوزه است. به همین منظور یکی از رسالت‌های اساسی سازمان‌های مردم‌نهاد اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم، کشف جرایم مربوطه و اعلام آن‌ها است. این اقدام چندین امتیاز خواهد داشت. امتیاز نخست آن جلب نظر توده‌های مردمی در حوزه پیشگیری از وقوع جرم و در وهله بعد کشف و اعلام جرم به مراجع ذیصلاح است. امتیاز بعدی انجام تعاملات گروهی در برابر جرم است که این امر می‌تواند با تفکر گروهی و تجمع نظرات جمعی، راهبردی همه‌جانبه را در فرآیند پیشگیری از وقوع جرم به همراه داشته باشد. با توجه به نقش این سازمانها و کارکرد آن فرهنگ‌سازی با اقدامات پیشگیرانه توسط خیل عظیم مردمی در جامعه از امتیازات بعدی آن است. طبیعتاً وقتی توانمندی‌های طیف وسیعی از مردم در خدمت اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم‌شده اولاً: خود از ابتلاء به حوزه جرم پرهیز خواهند کرد و ثانیاً: اطرافیان را از درگیر شدن و ورود به قلمرو جرم و جنایت باز خواهند داشت و ثالثاً: ظرفیت‌های مردمی را در خصوص فعالیت‌های پیشگیرانه از وقوع جرم بسیج خواهند کرد. از امتیازهای دیگر آن سازمان یافتگی در مبارزه با جرم و جلوگیری از وقوع جرم است. به تناسب پیچیدگی جرایم و جرایم مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و سازمان یافتگی آن در جامعه، حضور نهادهای مردمی می‌تواند حوزه پیشگیری از وقوع جرم را متناسب با اقدامات سازمان یافته جرایم به صورت نهادینه



شده محقق سازد. با توجه به رشد فزاینده جرایم و آمار اراشه شده در خصوص آن، جامعه نیازمند نهادسازی های متنوع در گروه های سنی مختلف و حوزه های متنوع اجتماعی است. همچنین ضرورت مبارزه و پیشگیری از وقوع جرم شرایطی را فراهم می سازد تا ما از ظرفیت های موجود اجتماعی جوانان، عناصر علاقه مند به حوزه پیشگیری، کشف و اعلام جرایم استفاده کنیم. هر اندازه این مقوله به صورت مردمی و تودهوار انجام پذیرد، تأثیرگذارتر خواهد بود و با کمترین هزینه، می توان نتایج ارزشمندی را در خصوص پیشگیری از وقوع جرم در جامعه رقم زد. تجربه موفقیت آمیز حوزه تطبیقی در سایر کشورها نشان می دهد، هر اندازه توده های سازمان یافته مردمی یا مردم نهاد در این حوزه و در قلمرو پیشگیری از وقوع جرم بیشتر شود مقابله موفقیت آمیزی را در کاهش آمار جرم و جنایت می توان مشاهده کرد و با کمترین هزینه مناسب ترین اثر بخشی را در خصوص پیشگیری از وقوع جرم می توان شاهد بود. با عنایت بر این که نهادهای متنوعی در کشورمان مجوز فعالیت سازمان های مردم نهاد را صادر می نمایند، لازم است همه دستگاه های تخصصی صادرکننده مجوز سازمان های مردم نهاد به این حوزه جدید پرداخته و علاقه مندان را برای انجام اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم دعوت به همکاری کنند. به خصوص نیروی انتظامی که حوزه تخصصی پیشگیری از وقوع و کشف جرایم را در دستور کار خویش دارد می تواند با رویکرد حرفه ای طیف عظیم مردم را برای این امر مقدس به کار گیرد و شرایط مطلوبی را برای مهار جرم در جامعه فراهم کند. (روزنامه ایران، ۵۴۸۶، ۱۳۹۲: ۱۵) با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ و رویکرد قانون گذار کیفری، به نقش سازمان های مردم نهاد توجه اساسی گردیده است. ماده ۶۶ از قانون اخیرالتصویب به سازمان های مردم نهاد زیست محیطی و بهداشت عمومی اشاره نموده است که از نکات مثبت قانون اخیرالذکر می باشد. این ماده به نوعی پیشرفت در عرصه قانون گذاری کشور محسوب می گردد. چراکه موضوعی را پیش کشیده که تاکنون در قوانین آیین دادرسی کیفری سابقه نداشته است. تأکید این ماده بر ورود سازمان های مردم نهاد به موضوعات مختلف اجتماعی است؛ به طوری که به سازمان های دارای اساسنامه حق می دهد درباره حمایت از کودکان و نوجوانان، زنان، اشخاص بیچاره و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی نسبت به جرایم ارتكابی، اعلام جرم کنند و در همه مراحل دادرسی برای اقامه دلیل شرکت نمایند و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض کنند. البته اگرچه در ذیل این ماده تأکید شده که ورود این سازمانها باید حتماً با رضایت فرد بزه دیده یا ولی و سرپرست قانونی او باشد، اما، مجالی خوب برای سازمان های مردم نهادی است که تا به حال قصد حمایت از افراد آسیب دیده را داشتند، ولی قانون برایشان وجاهت جهت مداخله قائل نشده بود. در واقع ماده ۶۶ نوعی اجازه نامه است که به سازمان های مردم نهاد حق می دهد در حوزه های فعالیت خویش فعالیت عمل نموده و جای خالی (خلاء) نهادهای حمایتی دولتی را پر کنند.

۱۱- نقش سازمانهای مردم نهاد (غیردولتی) در پیگیری شکایات و مطالبه ضرر و زیان

با توجه به قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و فلسفه تأسیس سازمان های مردم نهاد و انجمن های حمایت از حقوق مصرف کنندگان به منظور تسهیل و تسریع در رسیدگی به تخلفات و در راستای استیفای حقوق مصرف کنندگان، انجمن های حمایت از حقوق مصرف کنندگان می توانند شکایات واصله از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد مذکور در بندهای ۲ و ۳ و ۴ ماده ۱۲ قانون اخیرالذکر و با توجه به وظایف و اختیارات مصرحه بررسی نمایند و در صورت عدم حصول توافق بین شاکی. متشاککی در حل موضوع، پرونده را جهت رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی و حسب مورد مراجع قضایی ارجاع نمایند. سازمان نیز موظف است شکایات مربوط به صنوف مشمول قانون نظام صنفی را در مواردی که واجد عناوین مجرمانه نباشد بر اساس قوانین و مقررات مربوطه رسیدگی و حکم لازم را صادر نماید. ماده ۴ از قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز به این مهم پرداخته است. فصل پنجم از قانون مذکور نیز در خصوص فرآیند پیگیری و ثبت و



بررسی شکایات توسط انجمن مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ را به این موضوع اختصاص داده است و با این وصف؛ اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در راستای استیفای حقوق مصرف کنندگان شکایت خود را اعلام و در دفتر مخصوص یا نرم افزار می‌گردند. در صورت حصول توافق، سازشنامه تنظیم و در صورت عدم حصول توافق پرونده ظرف مدت ۵ روز تکمیل و به سازمان تعزیرات حکومتی جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم ارسال می‌گردد. بنابراین؛ سازمان های غیردولتی و مردم نهاد همیشه نماینده یک جانبه مصرف کننده نیستند بلکه در فهرست وظایف برخی از آنها حل و فصل اختلاف میان مصرفکننده و تولیدکننده در اختلافات راجع به مصرف، از طریق سازش و داوری پیش از مراجعه قضایی نیز مقرر شده است. با این وجود، در صورت عدم حل و فصل اختلاف همان طور که بیان گردید سازمان غیردولتی و مردم نهاد در صورت داشتن صلاحیت حقوقی می‌توانند به نمایندگی از مصرف کنندگان در دادگاه طرح شکایت کرده و یا طرفین را به طرح شکایت شخصی رهنمود نمایند. با توجه به توضیحات ارائه شده یکی از مهم ترین نقش های سازمان های غیردولتی حامی حقوق مصرف کنندگان، طرح شکایت در دادگاه به نمایندگی از طرف مصرف کننده و پیگیری جبران خسارات وارده برای آنها است. این نقش به قدری دارای اهمیت است که برخی، حمایت از حقوق مصرف کننده به معنای خاص و دقیق کلمه را حق دادرسی و طرح شکایت در محاکم قضایی می‌دانند، زیرا؛ به عقیده این گروه، آنچه مصرف کنندگان را به تشکیل سازمان های غیردولتی و عضویت در آنها ترغیب می‌کند، بیش از همه به خاطر استفاده از حمایت فعالانه این سازمان در اعمال و دفاع از حقوق آنها در مراجع قضایی است. با این وصف؛ از آنجا که سازمانهای غیردولتی و مردم نهاد با هدف غیرانتفاعی فعالیت می‌نمایند؛ لذا؛ مصرفکننده زیان دیده می‌تواند به طور رایگان یا با هزینه‌ای پایین، از خدمات حقوقی و مشاوره‌های این نهادها در دادگاهها بهره‌مند شود. مزیت دیگر نمایندگی سازمانهای غیردولتی آن است که اگر مصرف کننده به عنوان یک شخص حقیقی و به صورت انفرادی، علیه سازمان های تولیدکننده به ویژه تولیدکنندگان دولتی طرح شکایت نماید، به دلیل وجود خطر عدم رعایت برابری احتمالی اصحاب دعوا در دادگاه، حضور انجمن به عنوان نماینده مصرف کننده می‌تواند از لحاظ روانی این نابرابری را به تعادل کشاند و اهرم فشار زیان دیده علیه تولیدکننده تلقی گردد. به طور کلی این سازمان ها علاوه بر منافع شخصی مصرف کننده خصوصی، منافع جمعی مصرف کنندگان جامعه را نیز می‌توانند پوشش دهند و علیه عامل ورود ضرر و زیان اقامه دعوا و نسبت به احقاق حقوق مصرف کننده یا وصول خسارات وارده اقدام نمایند. در اساسنامه بسیاری از سازمان های غیردولتی مانند ماده ۲ اساسنامه مصرف کنندگان فرانسه بر این حق تصریح شده است. اقامه دعوی مصرف کننده زیان دیده از طریق سازمان های غیردولتی و مردم نهاد دارای این مزیت است که سازمان های مزبور با استفاده از وکلای و متخصصان حقوقی می‌توانند ضعف اطلاعات حقوقی مصرف کننده را جبران کنند. وانگهی مصرف کننده برای پیروزی در دعوی خود و مطالبه ضرر و زیان علیه تولیدکننده ناگزیر از اثبات ارکانی چون وجود عیب در تولید می‌باشد که با توجه به اطلاعات سازمان های غیردولتی از فرآیند تولید و توزیع محصولات در بازار و وجود کارشناسان فنی این سازمان ها اثبات این رکن بسیار تسهیل می‌شود و مصرف کننده زیان دیده می‌تواند به طور رایگان یا دست کم با هزینه پایین از خدمات حقوقی و مشاوره‌ای این نهادها در دادگاهها بهره‌مند گردد. مزیت دیگر نمایندگی سازمانهای مردم نهاد و غیردولتی آن است که اگر مصرف کننده به عنوان یک شخص حقیقی و به صورت انفرادی علیه سازمانهای تولیدکننده به ویژه تولیدکنندگان دولتی اقامه دعوا کند خطر عدم رعایت برابری احتمالی اصحاب دعوا در دادگاه وجود دارد؛ در حالی که حضور انجمن - به عنوان نماینده مصرف کننده - در دادگاه می‌تواند از لحاظ روانی این نابرابری را به تعادل کشاند و اهرم فشار زیان دیده علیه تولیدکننده تلقی شود. در مورد این که سازمان های غیردولتی از کدام دسته منافع وابسته به مصرفکنندگان در مراجع قضایی و پیگیری شکایات، مطالبه ضرر و زیان دفاع می‌کنند باید اذعان نمود: علاوه بر منافع شخصی مصرفکننده خصوصی، منافع جمعی مصرف کنندگان جامعه نیز می‌تواند مطرح باشد. توضیح آنکه



امروزه رویه قضایی بسیاری از کشورها از جمله سوئد، (Collective Action Proceeding, ۲۰۰۵: ۱۸ seq) به سازمانهای غیردولتی حمایت از عرضه محصولات معیوب، سلامت و ایمنی این قشر را با خطر جدی روبه رو می کند، مطالبه خسارت نمایندند. به علاوه دادگاه ها و حقوق دانان کشورهایی چون فرانسه، سوئیس و آمریکا گام را فراتر نهاده و به سازمان های غیردولتی این حق را داده اند که اگر به منافع حرفه ای آنها لطمه وارد شده بتوانند علیه عامل ورود ضرر و زیان اقامه دعوا کنند. (Thahn, ۲۰۰۵: ۲۵۳-۲۵۶)

۱۲- نقش سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرفکنندگان:

در تیر ماه سال ۱۳۵۴ به منظور تعیین، تعدیل و تثبیت قیمت تولیدات داخلی کشور و کالاهای وارداتی و خدمات و انجام بررسی ها و تهیه طرحهای لازم در جهت متعادل ساختن و پیشگیری از افزایش نامتناسب قیمت ها "مرکز بررسی قیمت ها" تشکیل گردید و به دنبال آن در تیرماه همان سال به منظور تهیه فهرست کالاهایی که مصرفکنندگان یا تولیدکنندگان آن می بایست مورد حمایت قرار گیرند صندوق حمایت مصرفکنندگان تشکیل گردید و در نهایت در سال ۱۳۵۸ از ادغام مرکز بررسی قیمت ها و صندوق حمایت مصرفکنندگان، سازمان حمایت مصرفکنندگان و تولیدکنندگان تشکیل و اساسنامه آن به تصویب شورای انقلاب رسید. به موجب ماده ۳ اساسنامه، سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می باشد و به صورت شرکت سهامی اداره می شود و وابسته به وزارت بازرگانی است. همچنین بر اساس مصوبه شماره ۱۹۰۱/۸۵۰۸۱ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۲ شورای عالی اداری کلیه وظایف و اختیارات سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات موضوع تصویب نامه شماره ۷۳۵۲۰۲/م مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ و آیین نامه اجرایی شماره ۴۰۷۳۱ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ ستاد پشتیبانی تنظیم بازار که با قوانین و مقررات موجود مطابقت دارد، به سازمان حمایت محول گردید. عمده وظایف سازمان به شرح ذیل می باشد: حمایت از تولیدات داخلی و افزایش آن. حمایت از مصرفکنندگان در قبال نوسانات غیرمعمول قیمت ها. انجام تحقیقات و ارائه طرحهای ضروری در جهت متعادل ساختن قیمت های وارداتی و تولیدی. تشویق صادرات از طریق همکاری با سازمانهای ذی ربط. بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالاهای تولیدی و وارداتی و خدمات م شمول در تمام بخش ها اعم از: دولتی، تعاونی، خصوصی و نهادها. اعمال نظارت بر اجرای قیمت ها و رسیدگی به تخلفات بر اساس قانون تعزیرات. تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت و اجرای طرحهای ویژه نظارتی. نظارت بر شبکه های توزیع کالاها و خدمات و مبارزه با عرضه و توزیع کالاهای قاچاق به عنوان دستگاه کاشف. با این وصف؛ این سازمان در جهت کشف و تعقیب متخلفان و مجرمین قلمرو موضوع پژوهش حاضر به عنوان دستگاه کاشف نقش بسزایی ایفاء می کند.

بحث و نتیجه گیری

امروزه با پیشرفت دانش بشری، خصوصاً گستردگی علوم و مسائلی که متعاقب نوآوری های این علم به وجود آمده، می بایست با بررسی دقیق موضوعات و انطباق آنها با قواعد پذیرفته شده، پاسخگوی نیازهای جامعه و تعیین حقوق و تکالیف افراد در این نوع از روابط باشیم، علی رغم اصلاحاتی که در مجموعه قوانین جزایی ایران پیش آمده، اما، با عنایت به تعدد و تکثر قوانین مربوط به این جرایم و به روز نبودن آن به ویژه با توجه به اصطلاحاتی که برخی از مواد این قوانین با یکدیگر دارند تدوین قانونی دقیق و جامع با ضمانت اجرایی قاطع، جهت برخورد با مرتکبین این جرایم و تخلفات ضروری به نظر می رسد، چه بسا ارتکاب این جرایم از سرقت و کلاهبرداری و حتی قتل عمد برای جامعه مخاطره آمیزتر است و با مصرف مواد غذایی غیربهداشتی و فاسد و تقلبی و... زمینه مرگ تدریجی مصرف کننده فراهم گردد. در حال حاضر در صنایع تولیدی مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی تغییرات کلی حاصل شده و به همین دلیل بهداشت، میکروب شناسی و کنترل در تهیه این گونه کالاها، محصولات و فرآورده ها سهم بزرگی را در جهت تأمین سلامتی مصرف کننده است.



چنانچه در طرز تهیه مواد فوق، دقت و کنترل کافی نشود عواقب سوئی دربر داشته و مسمومیت‌های شدید، امراض پوستی خطرناک و... ایجاد می‌نماید. این خطرات، بی شمار است و علت را می توان از زیاده روی در استفاده یا عدم تجویز صحیح یا فاسد بودن آن جستجو کرد که هزینه‌های هنگفت درمان را در پی خواهد داشت.

تشکیل مراکزی جهت اطلاع رسانی و آموزش و ایجاد زمینه آشنایی مصرفکنندگان با این دسته از جرایم و تخلفات یا تبلیغات گسترده و ویژه ای در رسانه های گروهی صورت پذیرد و با چاپ بروشور و مقاله و کتب و برگزاری همایش‌ها در این خصوص اطلاعرسانی جامع به عمل آید.

کشف جرایم و تخلفات مواد خوردنی و آشامیدنی نیازمند مهارت و تبحر و تجهیزات خاص و آموزش و فرهنگ‌سازی مصرف کنندگان است بنابراین، در کشف، شناسایی، این نوع از جرایم و تخلفات نیاز به تخصص می‌باشد. خلاء دادگاهها و دادرسی ویژه رسیدگی به این دسته از جرایم با توجه به تخصصی بودن موضوع احساس می گردد و ضرورت دارد قانون گذار نسبت به ایجاد تشکیلاتی سازمانی در این مقوله اقدام نماید.

سنجش کیفیت مواد غذایی، واجد فاکتورها و مراحل خاصی می باشد و مراجعی مسئول سنجش آن بوده که صلاحیت آنها به عنوان مراجع نظارتی در قوانین تبیین شده و علت های متفاوتی ممکن است در تولید غذای نا سالم نقش داشته باشد که، عدم رعایت ضوابط تولید، استانداردها و مقررات مربوط مهم‌ترین فاکتورهای آن است.

منابع

کتاب ها

- ۱- اعظمی چهار برج و همکاران، حسین؛ نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات خرسندی چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۷۰.
- ۲- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول (کلیات و دعاوی ناشی از جرم)، پاییز ۱۳۸۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان چاپ و انتشارات)، ص ۲۷۳.
- ۳- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، چاپ دهم، زمستان ۱۳۸۴، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، صص ۲۵۲-۲۵۴.
- ۴- باریکلو، علیرضا؛ مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۵- خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۴، ص ۸۳ به بعد.
- ۶- فرهنگ عمید، ص ۱۰۵۱.
- ۷- مدنی، سید جلال الدین؛ آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲، انتشارات پایدار، محمد ۱۳۸۵، صص ۸۲-۸۳.
- ۸- مازو؛ رساله نظری و عملی مسئولیت مدنی - مجرمانه و قراردادی؛ ج ۳، شماره ۲۳۹۶ به نقل از: دعاوی خصوصی در دادگاه جزا؛ ص ۱۱۳.
- ۹- مدنی، سید جلال‌الدین؛ آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵، صص ۴۰۵ - ۴۱۴.
- ۱۰- هداوند، مهدی - سهرابی، مجید؛ نظام حقوق رسیدگی به تخلفات صنفی در سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۷۸ - ۸۰.
- ۱۱- یعقوبی، عبدالهاشم؛ روش رسیدگی به پروندهها در سازمان تعزیرات حکومتی، انتشارات فردوسی، چاپ دوم ۱۳۸۱، صص ۵۵-۵۸.

مقالات، نشریات و ماهنامه ها

- ۱- آشنایی با سازمان حمایت مصرفکنندگان و تولیدکنندگان، همشهری آنلاین، سه شنبه، ۱۹ مرداد ۱۳۸۹.
- ۲- سیاست کیفری در چالش با نقش کپی راییت، تعریف سیاست کیفری، صالحی، جواد؛ مؤسسه حقوقی عدل محمدحسینی، ۳-



- صالحی، جواد؛ ((سیاست کیفری و رابطه آن با سیاست جنایی))، تعالی حقوق، ش ۲۵، ۱۳۸۷، ص ۳۶.
- ۴- صالحی، جواد؛ ((سیاست کیفری و رابطه آن با سیاست جنایی))، تعالی حقوق، ش ۲۵، ۱۳۸۷، ۵- دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله قضایی و حقوقی وزارت دادگستری؛ ش ۱.
- ۶- موسوی مجاب، سیدفرید؛ بزهکاران یقه سفید، فصل نامه مدرس، ۱۳۸۳، شماره ۳.
- ۷- ((ماهیت و قلمرو دیه زیان ناشی از جرم))، مجله کانون وکلا؛ ش ۶-۷.
- ۸- مهدوی، ابراهیم؛ مجله کانون وکلا، شماره ۸۳، ص ۷.
- ۹- منشور حقوق شاکی و متهم در دادسرا، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۱، شماره ۲۵۳۶۱.
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ((سیاست جنایی سازمان ملل متحد))، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، مجله تحقیقات حقوق، ش ۱۸، ۱۳۷۶.
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ مقاله ((سیاست جنایی)) مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، ش ۱۱ و ۱۲.
- ۱۲- نورمنان باتر، جوزف اچ. ها چکیس. ترجمه، فلاحی، مسعود؛ علم مواد غذایی، چاپ پنجم، انتشارات بارناوا، جلد اول، ص ۵۳.
- ۱۳- نقش سازمانهای مردم نهاد در پیشگیری از جرم، (تحلیل شرک) روزنامه ایران، شماره ۵۴۸۶، مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲، صفحه ۱۵، ایران شوک ۱۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ((سیاست جنایی سازمان ملل متحد))، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، مجله تحقیقات حقوق، ش ۱۸، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱.

قوانین و مقررات

- ۱- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴.
- ۲- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸
- ۳- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
- ۴- قانون اساسی
- ۵- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی. ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام:
- ۶- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات سال ۱۳۹۴
- ۷- قانون حمایت از حقوق مصرفکنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵.

آیین نامه ها

- ۱- آیین نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳/۳/۲۳ هیئت وزیران با اصلاحات مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹
- ۲- آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱/۴/۲۴.
- ۳- از آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۸/۰۱



Analyzing the Method of Discovering & Prosecuting Food, Drink, Cosmetic & Health Crimes in Iranian Law

Hadi ahmadpour

Bachelor of Laws, Payam Noor University, Banab Center, Iran (Corresponding Author)
Hadiahmadpour@gmail.com

Yaser abidi

Bachelor of Nursing Student, Islamic Azad University, Maragheh branch, Iran
yaserabidi78@gmail.com

hojjat molazadeh nazem

M.A Student in Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh branch, Iran
hojjatm839@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: detection of crimes and violations is considered one of the most important measures in the field of fighting against perpetrators. If the prosecution and research authorities use conventional and technical methods to discover and prosecute crimes, it is obvious that the perpetrators will gain a very insignificant position or even sometimes they will be unsuccessful in committing crimes and violations of the subject of research. Therefore, anticipating newer methods and adopting a wise approach against this category of crimes and violations requires the imperceptibility of research and its tracking process, the urgency and timeliness of actions in addition to gathering news and information about it.

Research Method: The research method in this study is descriptive and analytical.

Findings & Results: with special research methods, that is; Methods and techniques for discovering, researching, pursuing and gathering information in such a way that in the shortest possible time the perpetrators are identified, arrested and prevented from preparing, producing and supplying the desired food and drink, cosmetic and health products to the consumer. It is investigated in the form of detection and prosecution of crimes. Therefore, in this collection; in the first topic; to the topics related to discovery through periodic and intrusive inspection and in the second topic; to discover the crime through complaints and in the third topic; the role of non-governmental organizations and organizations supporting producers and consumers has been investigated.

Keywords: Criminal Liability, Intentional Crime, Quasi Intentional Crime, Corona Virus